



شیادی با نسخه‌های گیاهی

جامعه به طب سنتی روی آورده‌است، اما وزارت بهداشت نظارت درستی بر مدعیان درمانگری ندارد

۲

روزنامه

۱ سال بیست‌ویکم | شماره پیاپی ۳۲۸۸ | سه‌شنبه ۱۱ آذر ماه ۱۴۰۴ | قیمت ۵ هزار تومان |

www.payama.ir

تعلل در ابلاغ حریم بافت تاریخی تهران عمدی است؟

بازار طلا؛ خنجری بر شاه‌رگ عودلاجان

۴



خریدوفروش گونه‌های جانوری در بازار پرندفروشی مازندران تغییر شیوه داد

حراج پرندگان مهاجر در خانه‌های فریدونکنار

۳

ایران بر مدار اضطرار

۱۱ استان در وضعیت ناسالم هوا گرفتار شدند



۶

حقیقت بلعیده می‌شود

شرکت‌های بزرگ نفتی بین‌المللی چگونه سال‌ها درباره تغییر اقلیم دروغ گفته‌اند؟

۵

یادداشت

حمله این بار به درفش کاویانی و هما



ای بهمن نامورمطلق

اسطوره‌شناس

۱

یادداشت

فرجام ادعای مالکیت وزارت نیرو بر حریم وبستر رودخانه‌ها



ای محمد داس‌مه

مشاور رئیس سازمان
منابع طبیعی

۳

همان برنامه‌های کوچک و محقر خودشان را بسازند و به این نمادهای هویتی کاری نداشته باشند. اینکه چنین خودزنی و حمله‌ای به هویت ما انجام دهند، نشان فرهنگی را نمی‌شناسند؛ کسانی هستند که برای دیده‌شدن به هر قیمتی هر کاری می‌کنند. روی شاخه‌ای نشسته‌اند و آن را می‌پزند. این هویت همه دیده‌شدن است. آنها خواسته یا ناخواسته، مستقیم یا غیرمستقیم، بازپچه ایران‌ستیزان شده‌اند؛ اگرچه هیچ عقل سلیمی نماد خود را هدف یک بازی محقرانه نمی‌کند تا دل مردم این‌گونه آزرده شود.

اسطوره‌ها و نمادهای ما کارکردهای گوناگون و بسیار سودمند دارند؛ از جمله وحدت‌بخشی و معنا بخشیدن به جمع. اینها می‌توانند جوانان ما را تبدیل به قهرمان کنند. با روایت‌های اسطوره‌ای است که جوانان ما به قهرمان بدل می‌شوند. اما از همان جوان‌ها می‌خواهند با یک وسیله به نماد خودشان ضربه بزنند، بعد هم بخندند و بگویند «پیروز شدیم که این نمادها را شکستیم؟» نمادهای محترم و مقدس خودمان را بشکنیم و بعد بگویم برنده شدیم؟ این افراد یا بلاهت دارند یا کینه‌ورزی؛ از این دو حالت خارج نیست. قرار نبود این نمادها و اسطوره‌های ما وسیله بازی شوند. هویت نباید به بازی گرفته شود. هویت یک ملت وسیله بازی کودکان نیست؛ برخی از روی بلاهت این کارها را می‌کنند، اما برخی دیگر از بلاهت همین افراد سوءاستفاده می‌کنند؛ چراکه استفاده از چنین نقشی در بخشی از یک برنامه تلویزیونی، چندان معصومانه هم نیست. امیدوارم چنین اتفاقاتی تکرار نشود. خوشحالم که مردم ما نسبت به این مسائل حساس‌اند و اگر کسی به نمادهای هویتی‌شان -خواسته یا ناخواسته- بی‌احترامی کند، واکنش نشان می‌دهند. مردمی که نسبت به اسطوره‌ها و نمادهای‌شان حساس باشند، مردمی زنده‌اند.

حمله این بار به درفش کاویانی و هما

احساس می‌کردند بخشی از یک جمع‌اند و باید از این مرز و بوم دفاع کنند. حال تصور کنید در مقطعی عده‌ای شروع به تخریب این عناصر کنند؛ آن‌هم در قالب یک بازی. جوانانی که باید از این نمادها دفاع کنند، در این بازی تشویق می‌شوند که به این نمادها ضربه بزنند و آنها را خرد کنند. نمادهای هویتی تبدیل شود به هدف و سیل یک بازی نازل و مبتذل. این چیزی جز خودزنی و خودویرانگری نیست. یکی از نمادهایی که در این بازی به‌عنوان سیل استفاده شده، درفش کاویانی است که نماد ایران بوده است؛ در شاهنامه می‌بینیم که این نماد چگونه توسط کاوه آهنگر برای مبارزه با بیگانه‌ای که ایران را اشغال کرده، مانند ضحاک ساخته می‌شود. سپس توسط فریدون آراسته می‌شود. روایت‌های گوناگونی درباره این نماد وجود دارد، اما بی‌تردید درفش کاویانی یکی از اصیل‌ترین نمادهای ایرانی است و ایرانی بودن را نمایندگی می‌کند. با این درفش بود که ایرانیان دور هم جمع شدند و ضحاک را شکست دادند. در میدان‌های نبرد هر بار که این درفش برافراشته بود، سربازان می‌دانستند ایران ایستاده و باطمینان نبرد می‌کردند و هر بار که به زمین می‌افتاد، پرلکند و هراسان می‌شدند. برای افراشته ماندن این نماد انسان‌های بسیاری کشته شدند. بسیار ناجوانمردانه و ابلهانه است که به‌جای برافراشتن و احترام گذاشتن به این نماد، آن را سیل یک بازی محقرانه کنیم.

برنامه‌سازانی که هیچ شناختی از نمادها و اسطوره‌های ما، ارزش‌های آنها، نقش‌شان در تداوم هویت و خون‌هایی که پای آنها ریخته شده ندارند، حق ندارند با این نمادها برنامه بسازند. اگر هم برنامه می‌سازند،

در عناصر هویتی دارند و اهمیت‌شان از جهاتی بی‌مانند است. همه فرهنگ‌ها و دوستداران هویت جمعی به همین دلایل، توجه ویژه‌ای به اسطوره‌ها و نمادها دارند و با جدیت از آنها پاسداری می‌کنند. نمادهایی که در اشکال گوناگونی مانند میراث ملموس یا ناملموس، در روایت‌ها، آیین‌ها، متون تاریخی و تخیلی تجلی پیدا می‌کنند.

فرهنگ‌دوستان می‌دانند هیچ چیز به اندازه این عناصر موجب شکل‌گیری و تداوم هویت جمعی نیست. خوشبختانه کشور ما سرمایه‌ای عظیم از اسطوره‌ها و نمادهای هویتی دارد. ماندگاری ما به‌عنوان «ما» به همین یادگارهای بازمانده از گذشته پرافتخار ایران وابسته است؛ چراکه بخشی ارزشمند از سرمایه معنوی کشور هستند و از بین رفتن آنها آثار مخربی دارد.

با هم بودن ما به‌واسطه عناصر هویتی تعریف می‌شود. اگر روایت‌های مشترک نداشته باشیم، بهانه‌ای برای با هم زندگی کردن نداریم. هویت است که ما را گرد هم می‌آورد؛ ما تاریخی داریم، گذشته‌ای داریم و از آن گذشته چیزهایی برای ما به یادگار مانده است. گذشته ترکیبی از حقیقت‌هایی است که میان واقعیت و تخیل در رفت‌وآمدند، مانند داستان کی‌مورث، هوشنگ، تهمورث، فریدون و جمشید. اینها بخش‌هایی از میراث مشترک ما هستند. هرگاه اختلاف پیدا می‌کنیم، با رجوع به این داستان‌ها به یاد می‌آوریم که یک ملت هستیم. برای حفظ این روایت‌ها، افراد بزرگی مانند فردوسی، حافظ، سعدی، ابن‌سینا و فارابی رنج‌های فراوان کشیدند. بسیاری از سربازان برای حفظ همین روایت‌ها جان دادند؛ در جنگ‌های ایران و یونان، ایران و روم، ایران و اعراب. بسیاری کشته شدند چون با این روایت‌ها



ای بهمن نامورمطلق

اسطوره‌شناس

به‌تازگی در یک برنامه تلویزیونی، نمادها و اسطوره‌های ایرانی به‌عنوان هدف یک بازی قرار گرفته‌اند؛ اتفاقی که ضرورت دارد درباره پیامدهای آن تأمل کنیم. ابتدا باید دید چرا چنین رفتاری بد است. چرا تخریب کردن اسطوره‌ها و نمادها می‌تواند عاقبتی ناخوشایند داشته باشد. باید بررسی کنیم که چه چیزی تخریب می‌شود و چه چیزی مورد تسمخر قرار می‌گیرد. آنچه در آن بازی مشاهده می‌شود، تخریب اسطوره‌ها و نمادهای کشور است؛ درفش کاویانی، هما یا مرغ سعادت و ترکیب روایت‌هایی که درباره این نمادها وجود دارد.

اهمیت این نمادها و اسطوره‌ها آنجاست که بدانیم هیچ ملتی بدون مجموعه‌ای از عناصر هویتی شکل نمی‌گیرد و تداوم پیدا نمی‌کند. این عناصر هویتی‌ای که موجب می‌شوند یک ملت از ملت‌های دیگر متمایز شود. اگر چنین عناصر مشترکی وجود نداشته باشد، تشخیص و تمایز هویتی یک ملت ممکن نمی‌شود.

بنابراین، این عناصر هویتی، خجسته‌ترین و مقدس‌ترین عناصر یک جامعه‌اند. اگر این عناصر فروبریزند، انسجام و پیوستگی اجتماعی از بین می‌رود و جامعه دچار تشتت، آشوب و فروپاشی هویتی و اجتماعی می‌شود. بخش مهمی از عناصر هویتی در اسطوره‌ها و روایت‌ها متجلی می‌شود. اسطوره‌ها و روایت‌ها جایگاهی کانونی

یادداشت

نسل آلفا به مثابه نسل آینده



ای محمدعلی نویدی

اوپسنیده و مدرسی دانشگاه

نسل آلفا «Alpha Generation» در واقع، نسل بالنده و باهوش معطوف به آینده است. درک و فهم عمیق این جمله و گزاره، کلید توسعه و رشد فراگیر و پایدار جامعه ایران در دوران آتی و آینده است؛ زیرا هرگونه گسترش و ارتقای کمی و کیفی در ساحت زندگی و حیات منظم شهروندان ایرانی و هرگونه افزایش در گستره و سپهر آگاهی و آزادی اجتماعی، به شناخت نسل کودکان و نوجوانان بستگی دارد. همانان که به‌زودی به دوران جوانی و بزرگسالی و میدان فعالیت و

بازآفرینی، همچون تولیدمثل آگاهانه و مسئولانه، رشد، امکان تجدید سازمان و سامان و ارتقای سطح وجودی و اثربخشی موجود انسانی، پاسخ عقلانی و آگاهانه به محرک‌ها و درک پیام‌ها و صدور پاسخ‌های منطقی، خودسامانگری و سیانت از نفس و انطباق با محیط پیرامونی، آینده‌نگری و فردانگری، از نشان‌ها و نمادهای اصلی نسل بالنده و آگاه روزگار آینده است.

من نسل آینده و آلفا را نسل موتواسیون و جهش یافته می‌دانم؛ بدین دلیل که نسل آلفا میراث‌دار تجربه و دانش و فناوری گذشتگان و نسل‌های قبلی است. علاوه‌برآن، محیط‌زیست و تغییرات اجتماعی و تکنولوژیکی و دانش بشری در دوران نسل آلفا، پیشرفت فوق‌العاده داشته است. اینک المثنای و رونوشت هوش انسانی با عنوان هوش مصنوعی، پای به تمامیت میدان زندگی بشری گذارده و میزان خود را نسل زد و آلفا، به‌مثابه نسل آینده، یافته است. تو گوویی، در ساحت زندگی اکنون و خصوصاً آینده انسان،

موتاسیون و جهش فراگیر اتفاق شگرف رخ داده است. و البته بار مسئولیت و محتوای این جهش همه‌جانبه با نسل آلفا نسبت دارد. بدین‌سان، چارایی و چگونگی توسعه آینده جوامع و ملل و کشورها، با میزان بالندگی و رشد حقیقی نسل آلفا ارتباط خواهد داشت. بنابراین، با انباشت دانش و تکنولوژی و آگاهی نسل‌های گذشته، ویژگی متمایز برای رشد و توسعه نسل آلفا و آینده پیش آمده است.

باری، اگر قدر و قیمت نسل آلفا و کودکان و نوزادان خاص این دوران توسط نسل‌های گذشته و قدرتمندان و صاحب‌نظران و مدیران و مربیان و برنامه‌ریزان و ایران‌دوستان، دانسته شود و امکان رشد و بالندگی آنان به‌درستی فراهم شود، فراموش نکنیم شرف و عزت یک کشور به میزان خردمندی و آگاهی و آزادی و رفاه شهروندان آن بستگی دارد. با خردورزی و تربیت نسل خردمند، توسعه‌یافتگی امکان‌پذیر است.

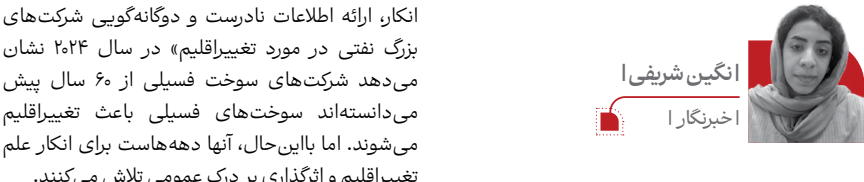
شرکت‌های بزرگ نفتی بین‌المللی چگونه سال‌ها درباره تغییراقلیم دروغ گفته‌اند؟

حقیقت بلعیده می‌شود



— AP

شرکت‌های نفتی هیچ‌وقت بخشی از راه‌حل بحران تغییراقلیم نبوده‌اند. در طی سال‌ها مدارک مختلف نشان داده‌اند بیشتر این شرکت‌ها به‌نحوی در فریب افکار عمومی و لابی‌گری برای انکار تغییراقلیم نقش داشته‌اند. درحالی‌که گرمتر شدن جهان و رویداد‌های حدی روزبه‌روز ملموس‌تر می‌شوند، باز هم این شرکت‌ها می‌کوشند اقدامات خود را موجه جلوه دهند. آخرین گزارش‌ها نشان می‌دهد افزایش بی‌وقفه انتشار کربن از سال ۲۰۲۰، حتی مسیرهای نظری به هدف ۱.۵ درجه سانتی‌گراد را منتهی کرده و جهان بین ۲ تا ۳ درجه گرم‌تر خواهد شد. درواقع، این شرکت‌ها از سال‌ها پیش برای حفظ سود خود، با فریب و نیزنج، جهان را به سمت نقطه‌ای غیرقابل برگشت سوق می‌دهند و حتی مسئولیت خود را در این میان قبول نمی‌کنند. این گزارش بر پایه مطالبی از گاردین، هاروارد گزت، کمیته بودجه سنای ایالات متحده آمریکا نوشته شده است.



انگین شریفی | خبرنگار ا

از اوایل سال ۱۹۵۹ مدیران صنعت نفت به ارتباط بین سوزاندن سوخت‌های فسیلی و تغییراقلیم آگاه بودند. دانشمندان این صنعت هم اندکی بعد، بر نقش سوزاندن سوخت‌های فسیلی در بروز تغییراقلیم ناشی از فعالیت‌های انسانی تأکید کردند. اما در واکنش به این یافته‌ها، شرکت‌های نفتی به‌جای پذیرش نقش خود و سعی در بهبود اوضاع، به انکار تغییراقلیم و نشر اطلاعات گمراه‌کننده پرداختند.

از انکار علم تغییراقلیم تا پخش اطلاعات نادرست
گزارش کمیته بودجه سنای ایالات متحد با نام «کمپین

جدید میان مدیران اجرایی شرکت‌های فسیلی و این گروه‌ها نشان می‌دهد، چگونه شرکت‌ها از این اتاق‌ها و دیگر سازمان‌ها برای تبلیغ شرکت‌های نفتی بزرگ استفاده می‌کنند.

جهت‌دهی به پژوهش‌ها با تأمین مالی دانشگاه‌ها
همچنین این صنایع با همکاری دانشگاه‌ها تلاش کرده‌اند به صحبت‌ها و کارزارهای خود ظاهری علمی و معتبر بدهند. این شرکت‌ها با تأمین مالی مؤسسات دانشگاهی، به برنامه‌های پژوهشی آنها جهت می‌دهند. آنها درصددن در مطالعات نتایجی به دست آید که از استفاده بلندمدت از نفت و گاز حمایت کند. سپس آنها از این پژوهش‌ها برای پیشبرد منافع خود و تقویت نفوذشان بر سیاست‌گذاران بهره می‌برند. طبق این گزارش، «شش شرکت سوخت فسیلی، از جمله بریتیش پترولیوم، شورون، اکسون وشل، بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ حدود ۷۰۰ میلیون دلار صرف برنامه‌های تحقیقاتی دانشگاهی کرده‌اند.» مؤسساتی که از صنعت سوخت فسیلی بوده‌جه دریافت کرده‌اند، تمایل به انتشار تحقیقاتی داشته‌اند که بیشتر به‌نفع گاز متان است تا انرژی‌های تجدیدپذیر. در کانادا نیز گزارشی با نام «آموزش آلودگی؛ تأثیر سوخت‌های فسیلی بر آموزش کودکان در کانادا»، تأثیر گسترده صنعت سوخت فسیلی بر آموزش‌های اقلیمی برای دانش‌آموزان ابتدایی و متوسطه را مستند می‌کند. این گزارش نشان می‌دهد حداقل ۳۹ شرکت نفت و گاز با کمک دولت، در تأمین مواد آموزشی نقش دارند. در این معاد درسی سعی می‌شود نقش صنعت نفت و گاز در تغییراقلیم کم‌اهمیت جلوه داده و بر راه‌حل‌ها فنی و یا فردمحور تأکید بیشتری شود.

لابی‌گری شرکت‌های نفتی برای تأثیرگذاری بر سیاستمداران و رسانه‌ها

گزارش بی‌بی‌سی از تأثیرگذاری شرکت‌های انرژی و صنایع وابسته به آن می‌نویسد: «در سال ۱۹۸۹ بسیاری از این شرکت‌های وابسته به سوخت‌های فسیلی گرد هم آمدند و ائتلاف جهانی اقلیم را تشکیل دادند. این نهاد برای تأثیرگذاری بر سیاستمداران و رسانه‌های آمریکایی لابی‌گری می‌کرد. حتی در سال ۱۹۹۱ مؤسسه الکتریکی ادیسون، کارزاری با نام «شورای اطلاعات برای محیط‌زیست» راه‌اندازی کرد. هدف این شورا این بود که گومایش جهانی را به‌عنوان نظریه‌ای دروغین جلوه دهد.

انجام کار کثیف سیاست با ماشین تبلیغاتی پیچیده
«نانومی اورسکس»، پژوهشگر تاریخ علم، به بی‌بی‌سی می‌گوید: «آنها کمپین‌های تبلیغاتی‌ای با هدف تضعیف حمایت عمومی از موضوع تغییراقلیم به راه انداخته بودند. آنها با انتخاب گریزنیی داده‌ها طوری وانمود می‌کردند که اگر جهان در حال گرم‌شدن است، پس چرا کنتاکی سردتر می‌شود؟ این پرسش‌ها با هدف ایجاد سردرگمی، شک و تردید طرح می‌شد.» «جفری سوران»، پژوهشگر تاریخ علم، درباره اثر ماشین تبلیغاتی صنعت نفت به هاروارد گزت (رسانه خبری رسمی دانشگاه هاروارد) می‌گوید: «این موضوع که لفاظی و تبلیغات آنها به‌آسانی وارد آگاهی عمومی مردم شده، بسیار ناراحت‌کننده است. این ماشین تبلیغاتی پیچیده،

توانسته است نحوه تفکر عموم درباره این موضوع را تغییر دهد. معاون رئیس شرکت موبیل و پیشگام روابط عمومی در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی در مورد چیزی که آن را «نفوذ معنایی» می‌نامید، صحبت می‌کرد و آن را «فرایندی که به‌وسیله آن کار کثیف سیاست انجام می‌شود» می‌نامید. تحقیقات ما اکنون نشان می‌دهد آنها دهه‌هاست که به همین کار مشغول بوده‌اند.»

گام‌های غیرضروری فناوریانه مشکلی را حل نمی‌کند
گزارش شل در سال ۱۹۹۸ با عنوان «تغییراقلیم: شل درباره آن چه فکر می‌کند و چه می‌کند؟» نشان می‌دهد این شرکت‌ها گاهی اوقات ارتباط بین تغییراقلیم و سوزاندن سوخت‌های فسیلی را می‌پذیرند، اما به‌جای تعهد برای کاهش میزان سوزن‌های فسیلی و انتشار کربن، مدعی می‌شوند با ادامه تولید نفت و گاز و با حمایت از رشد اقتصادی و نوآوری‌های فنی، با تغییراقلیم مقابله می‌کنند. اما این نوع رویکرد، رویکردی زیانبار است؛ زیرا در آن شرکت‌ها مسئولیت و نقش خود در تغییر اقلیم را نادیده می‌گیرند. همین باعث می‌شود به‌جای برخورد مستقیم با مسئله و کاهش میزان انتشار کربن، گام‌هایی غیرضروری، فناوریانه و برپایه خواست بازار، برای مقابله با مشکل بردارد که در عمل چیزی را حل نمی‌کند.

کشورهای درحال توسعه آماج پخش اطلاعات دروغین
گزارش اخیر گاردین در نوامبر ۲۰۲۵ درباره تأمین مالی «شبکه اطلس» (Atlas Network)، ائتلافی از ۵۰۰ اندیشکده بازار آزاد، توسط شرکت اکسون می‌نویسد: «زمان سندهای مالی کشف‌شده به ۳۰ سال پیش بازمی‌گردد، اما این امر از اهمیت موضوع نمی‌کاهد. این پول‌ها صرف ترجمه کتاب‌های انکارکننده تغییراقلیم به زبان‌های چینی و اسپانیایی و همچنین دسترسی منکران تغییراقلیم به رسانه‌های محلی کشورها و آمریکای لاتین می‌شد. درواقع، هدف آنها این بود که کشورهای درحال‌توسعه را از اثرات منفی معاهدات جهانی تغییراقلیم آگاه کنند!» «کارلوس میلانی»، استاد ارتباطات بین‌الملل، به گاردین می‌گوید: «چیزی که ۳۰ سال پیش اتفاق افتاده است، بسیار حائز اهمیت؛ چراکه جو زمین در مورد انتشار گازهای گلخانه‌ای حافظه تاریخی غنی‌می دارد.» دامن زدن به سردرگمی و تردید درباره تغییراقلیم موضوعی است که «کرت دیویس»، مدیر تحقیقات ویژه مرکز یکپارچگی اقلیمی، به گاردین یادآور شد: «همین شک و تردید در لحظات حساس اولیه دیپلماسی اقلیمی، گسل‌های ژئوپلیتیکی و ترس‌های اقتصادی‌ای را تشدید کرد که حتی تا امروز ادامه دارند. این همان هدف اکسون و شبکه اطلس بود.» شرکت‌های بزرگ نفتی دهه‌هاست درباره آثار کربایشان دروغ گفته‌اند و همچنان برای جلوگیری از گذار به انرژی‌های تجدیدپذیر تلاش می‌کنند. آنها به نهادهای اقتصادی، آموزشی و قانونگذاران نفوذ کرده‌اند و حتی روزنامه‌نگاران را تحت‌فشار قرار داده‌اند تا حقیقت را افشا نکنند. زمان آن رسیده است که شرکت‌های بزرگ نفتی به نقش خود در تداوم استفاده از سوخت‌های فسیلی که جوامع، اکوسیستم‌ها و اقلیم ما را نابود می‌کند، پاسخ دهند.

قطعه زمین زراعی به مساحت ۸۴۶/۸۸ مترمربع پلاک ۳ فرعی از ۸۹۵۷ اصلی واقع در اراضی حسن آباد انار خریداری از مالک رسمی خاتم فاطمه اناری عباس نژاد محرز گردیده است.
برابر رای شماره ۱۴۰۴۰۳۱۹۰۰۳۰۰۱۵۰۹ مترمربع پلاک ۱۴۰۴۰۷/۱۲ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک انار تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خاتم فاطمه اکبری فرزند علی بشماره شناسنامه ۵۴۲۰۰۵۴۷۶۰ صادره از یزد در شش‌دانگ یک باب خانه مشتمل بر طبقه فوقانی به مساحت ۲۶۹/۵ مترمربع پلاک ۲ فرعی از ۱۰۳۴۶ اصلی واقع در اراضی صدرآباد انار به آدرس انار خیابان بشر حافی خریداری از مالک رسمی آقای سید احمد مهدوی محرز گردیده است.
برابر رای شماره ۱۴۰۴۰۳۱۹۰۰۳۰۰۱۸۵۰۹ مترمربع پلاک ۱۴۰۴۰۷/۲۵ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک انار تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خاتم فاطمه اکبری فرزند علی بشماره شناسنامه ۵۴۲۰۰۵۴۷۶۰ صادره از یزد در شش‌دانگ یک باب خانه مشتمل بر طبقه فوقانی به مساحت ۲۶۹/۵ مترمربع پلاک ۲ فرعی از ۱۰۳۴۶ اصلی واقع در اراضی صدرآباد انار به آدرس انار خیابان بشر حافی خریداری از مالک رسمی آقای سید احمد یزدی زاده فرزند سعداله بشماره شناسنامه ۲۴ صادره از انار در شش‌دانگ یک باب خانه به مساحت ۵۴۷/۴ مترمربع پلاک ۳۳ فرعی از ۱۰۷۶۱ اصلی واقع در اراضی راس التحت انار به آدرس انار خیابان کشاورز خریداری از مالک رسمی خاتم ایراندخت سام زاده محرز گردیده است.
برابر رای شماره ۱۴۰۴۰۳۱۹۰۰۳۰۰۱۶۵۷ مترمربع پلاک ۱۴۰۴۰۸/۰۶ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک انار تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای احمد یزدی زاده فرزند سعداله بشماره شناسنامه ۲۴ صادره از انار در شش‌دانگ یک باب خانه به مساحت ۵۴۷/۴ مترمربع پلاک ۳۳ فرعی از ۱۰۷۶۱ اصلی واقع در اراضی راس التحت انار به آدرس انار خیابان کشاورز کوهچ ۶ خریداری از مالک رسمی خاتم ایراندخت سام زاده محرز گردیده است.
برابر رای شماره ۱۴۰۴۰۳۱۹۰۰۳۰۰۱۶۵۷ مترمربع پلاک ۱۴۰۴۰۸/۰۷ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک انار تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای سید علی بشماره شناسنامه ۵۴۲۰۰۵۴۷۶۰ صادره از انار در شش‌دانگ یک باب خانه به مساحت ۲۶۹/۵ مترمربع پلاک ۲ فرعی از ۱۰۷۶۱ اصلی واقع در اراضی راس التحت انار به آدرس انار خیابان کشاورز کوهچ ۶ خریداری از مالک رسمی خاتم ایراندخت سام زاده محرز گردیده است.

برابر رای شماره ۱۴۰۴۰۳۱۹۰۰۳۰۰۱۶۵۷ مترمربع پلاک ۱۴۰۴۰۸/۰۸ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک انار تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم سیمینه شیانی پوراناری فرزند علی بشماره شناسنامه ۳ صادره از انار در شش‌دانگ یک باب خانه به مساحت ۴۷۹/۵ مترمربع پلاک ۳۴ فرعی از۱۰۷۶۱ اصلی واقع در اراضی راس التحت انار به آدرس انار خیابان کشاورز کوهچ ۶ خریداری از مالک رسمی خاتم ایراندخت سام زاده محرز گردیده است.
برابر رای شماره ۱۴۰۴۰۳۱۹۰۰۳۰۰۱۸۸۲ مترمربع پلاک ۱۴۰۴۰۸/۰۲۷ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک انار تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم سیمینه شیانی پوراناری فرزند علی بشماره شناسنامه ۳ صادره از انار در شش‌دانگ یک باب خانه به مساحت ۲۰۰ مترمربع پلاک ۹۰ فرعی مفروز و مجزی شده از پلاک ۱ فرعی از ۱۰۹۹۵ اصلی واقع در اراضی

| خبر

بیانیه انجمن دوستداران میراث‌فرهنگی آلیپیر

فریاد هشدار برای «ایذه»باستانی

انجمن دوستداران میراث‌فرهنگی آلیپیر با شکستن سکوت چندساله نگرانی شدید خود را نسبت به اوج‌گیری دخالت‌های غیرکارشناسی نسبت به جایگاه‌های باستانی ثبت‌شده در فهرست آثار ملی ایران در چندماهه این سال اعلام می‌دارد؛ در هفته‌های گذشته، عملیات عمرانی! و ساخت‌وساز بدون مجوز مستند کارشناسی و محکم‌ه‌سند قانونی به هر بهانه در عرصه و حریم آثار ارزشمندی چون اشکفت سلمان، تپه‌های باستانی سیرعلی، زیرجد، حاجی‌عیسی و عمارت نورآباد شدت گرفته است که تهدیدی جدی برای هویت فرهنگی و تاریخی شهرستان باستانی ایذه و مخل در روند پیچیده ثبت در فهرست میراث جهانی یونسکو دانسته می‌شود. این انجمن با محکوم‌کردن اقدامات خودسرانه، مخرب و غیرقانونی اخیر، از انفعال دوستداران میراث‌فرهنگی و کوتاهی میراث‌فرهنگی به‌شدت انتقاد می‌کند که به‌رغم هشدار کارشناسان دلسوز میراث‌فرهنگی ایذه نتوانسته‌اند از اختیارات قانونی خود برای توقف دست‌درازی به آثار ملی استفاده کنند. ما خواستار ورود فوری مدیرکل میراث‌فرهنگی استان خوزستان و نهادهای نظارتی، قضائی و رسانه‌ای به این موضوع هستیم و از تمامی شهروندان، پژوهشگران و فعالان فرهنگی دعوت می‌کنیم در دفاع از میراث باستانی ایذه، هم‌صدا شوند.

انجمن دوستداران میراث‌فرهنگی آلیپیر

وداع بابنیاگذارانستیتو آب وانرژی شریف

«حسین نوح‌دانی»، پژوهشگر برجسته فیزیک و نخستین رئیس انستیتو آب و انرژی دانشگاه صنعتی شریف، درگذشت. او از نخستین چهره‌هایی بود که بحران آب، انرژی‌های نو و ضرورت توسعه علمی دراین حوزه‌ها را جدی گرفت و در شکل‌گیری زیرساخت‌های پژوهشی کشور نقشی محوری داشته است. حسین نوح‌دانی از جمله چهره‌هایی است که ناشی در تاریخ علم ایران با تلاش برای پیوند میان پژوهش‌های بنیادین و نیازهای حیاتی کشور گره خورده است؛ دانشمندی که مسیر علمی‌اش از دانشگاه تهران آغازشد، در معتبرترین مؤسسات پژوهشی آلمان ادامه یافت و سرانجام با تأسیس انستیتو آب و انرژی در دانشگاه صنعتی شریف، بخشی از زیربنای پژوهش‌های نوین کشور را بنیان گذاشت. نگاه آینده‌نگر او به بحران‌های آب، انرژی و توسعه پایدار و پیگیری پروژه‌های نوآورانه مانند نمک‌زدایی آب دریا با بهره‌گیری از انرژی هسته‌ای، نوح‌دانی را به یکی از پیشگامان انرژی در علم در ایران تبدیل کرد.ا.ا.سنا

سعید آباد انار به آدرس انار شهرک امام رضا خریداری از مالک رسمی آقای مهدی خادمی محرز گردیده است.

برابر رای شماره ۱۴۰۴۰۳۱۹۰۰۳۰۰۱۸۸۵ مترمربع پلاک ۱۴۰۴۰۸/۲۷ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک انار تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای ابراهیم آذرینا فرزند علی بشماره شناسنامه ۲ صادره از امین شهر در شش‌دانگ یک باب مغازه به مساحت ۲۵/۷۵ مترمربع پلاک ۴۴۱ فرعی از ۱۱۰۴ اصلی واقع در اراضی محمود آباد به آدرس انار بلوار شهید مطهری خریداری از مالک رسمی آقای علیرضا یزدانی و عبدالکریم ابراهیمی محرز گردیده است.

برابر رای شماره ۱۴۰۴۰۳۱۹۰۰۳۰۰۱۸۹۵ مترمربع پلاک ۱۴۰۴۰۹/۰۱ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک انار تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محمدهلی رشیدی رنجبربشرآبادی فرزند حسین بشماره شناسنامه ۲۴۶۳ صادره از مهریز در شش‌دانگ یک باب خانه به مساحت ۳۸۳/۲ مترمربع پلاک ۴۴۲ فرعی از ۱۱۰۰۴ اصلی واقع در اراضی محمودآباد انار به آدرس انار خیابان نواب کوهچ ۶ خریداری از مالک رسمی آقای علیرضا یزدانی محرز گردیده است.

لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۹/۱۱
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۴/۰۹/۲۶
حسین طالبی زاده
رئیس ثبت اسناد و املاک انار
شناسه آگهی: ۲۰۵۹۸۲۶

برابر رای شماره ۱۴۰۴۰۳۱۹۰۰۳۰۰۱۶۰۴ مترمربع پلاک ۱۴۰۴۰۷/۲۹ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک انار تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خاتم فاطمه جدیدی داودآبادی فرزند اکبر بشماره شناسنامه ۲۳۹ صادره از ایران در شش‌دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۲۳۳۲/۰۳ مترمربع پلاک ۳۹ فرعی از ۶۴۴۹ اصلی واقع در اراضی اسحاق آباد انار خریداری از مالک رسمی آقای سیداحمد مهدوی محرز گردیده است.
برابر رای شماره ۱۴۰۴۰۳۱۹۰۰۳۰۰۱۷۸۳ مترمربع پلاک ۱۴۰۴۰۸/۲۰ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک انار تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای عباس محمدی زاده جلگه اناری فرزند علی بشماره شناسنامه ۳ صادره از ایران در شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعی به مساحت ۵۳۲۰/۸۷ مترمربع پلاک ۴۰ فرعی از ۶۴۴۹ اصلی واقع در اراضی اسحاق آباد انار خریداری از مالک رسمی آقای سیداحمد مهدوی محرز گردیده است.
برابر رای شماره ۱۴۰۴۰۳۱۹۰۰۳۰۰۱۵۹۵ مترمربع پلاک ۱۴۰۴۰۷/۲۸ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک انار تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای میرزاهاشمی داودآبادی فرزند علی بشماره شناسنامه ۲۶۷۰ صادره از ایران در شش‌دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۲۷۷۷/۵۲ مترمربع پلاک۱۳ فرعی از ۶۴۵۰ اصلی واقع در اراضی اسحاق آباد انار خریداری از مالک رسمی آقای حسن میرزا هاشمی محرز گردیده است.

برابر رای شماره ۱۴۰۴۰۳۱۹۰۰۳۰۰۱۷۴۹ مترمربع پلاک ۱۴۰۴۰۸/۱۲ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک انار تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای سیدعلی مهدوی فرزند سیدآقا بشماره شناسنامه ۲۶۳۶ صادره از ایران در شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعی به مساحت ۵۶۰۲/۴ مترمربع پلاک ۱۴ فرعی از ۶۴۵۰ اصلی واقع در اراضی اسحاق اباد انار خریداری از مالک رسمی خاتم ایراندخت سام زاده محرز گردیده است.

برابر رای شماره ۱۴۰۴۰۳۱۹۰۰۳۰۰۱۷۴۸ مترمربع پلاک ۱۴۰۴۰۸/۱۲ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک انار تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خاتم فاطمه مهدوی اناری فرزند سیدآقا بشماره شناسنامه

آتش سوزی در جنگل های چهاردانگه ونکا

مدیرکل مدیریت بحران مازندران از وقوع آتش سوزی در جنگل های چورت ساری و سیکای هزارگریب شهرستان نکا خبر داد و گفت: «خطر شعله ور شدن دوباره جنگل های هزارگریب و چهاردانگه وجود دارد.» (حسینعلی محمدی) در تشریح این خبر اعلام کرد: «با دریافت تماس های مردمی از وقوع حریق در این مناطق، بلافاصله نیروهای منابع طبیعی، محیط زیست و مردمی در محل حاضر شدند و در تلاش برای مهار کامل آتش هستند.» او با بیان اینکه سطح حریق حدود سه هکتار است، هشدار داد خطر شعله ور شدن دوباره آتش در جنگل های هزارگریب و چهاردانگه همچنان وجود دارد. محمدی با اشاره به حضور نیروهای منابع طبیعی و محیط زیست در منطقه گفت درصورت بروز هرگونه حریق مجدد، این نیروها بلافاصله برای مهار آن اقدام خواهند کرد. «حامد رضاییان»، رئیس اداره منابع طبیعی و آبخیزداری شهرستان نکا، نیز درباره این آتش سوزی توضیح داد: «این حریق طی دو ساعت مهار شد، سطح حریق هنوز مشخص نشده، ولی در حال برآورد است.» ایسنا

رئیس سازمان محیط زیست:

در چند نیروگاه کشور مازوت کم گوگرد استفاده می شود

رئیس سازمان حفاظت محیط زیست با اشاره به اقدامات صورت گرفته در کارگروه ملی هوا، از استفاده مازوت کم گوگرد در چند نیروگاه کشور خبر داد. «شینا انصاری»، در مراسم اختتامیه نوزدهمین دوره جایزه ملی کیفیت ایران گفت: «در دولت چهاردهم مازوت کم گوگرد به میزان ۴۰۰ میلیون لیتر برای اولین بار در چند نیروگاه کشور مورد استفاده قرار می گیرد.» او درباره اقدامات کارگروه ملی هوا توضیح داد: «میزان اسقاط خودروهای فرسوده در یک سال گذشته به ۳۵۰هزار دستگاه رسید. توسعه انرژی های تجدیدپذیر با تمرکز بر انرژی خورشیدی به بیش از پنج هزار مگاوات رسیده است. رقیی بسیار فزاتر از تمام ادوار گذشته با هدف کاهش مصرف سوخت های فسیلی و تنوع بخشی به سبد مصرف سوخت، همچنین کنترل آلاینده های صنعتی از طریق فیلتراسیون و مدیریت آلاینده ها و کاهش فلزیسوزی در صنایع و استان های نفتی به عنوان اولویت جدی دنبال می شود. اصلاح سازوکارهای معاینه فنی خودروها برای رفع مشکلات اجرایی نیز در دستورکار قرار دارد.» ایسنا

آتش سوزی در جنگل های چهاردانگه ونکا



آتش سوزی در جنگل های چهاردانگه ونکا

۱۱ استان در وضعیت ناسالم هوا گرفتار شدند

ایران بر مدار اضطرار

ایپام ما آلودگی شدید هوای تهران به دهمین روز رسید و حتی باران به بهبود کیفیت هوا کمکی نکرد. صبح دوشنبه در فهرست آلوده ترین شهرهای جهان، تهران روی پله ششم بود و عصر روی پله نهم. استان البرز هم گرفتار آلودگی شدید هواسـت و در اصفهان شاخص آلودگی هوا در محدوده قرمز قرار گرفته است. در خوزستان هم به سبـاق روزهای گذشته، اغلب شهرها در وضعیت ناسالم گرفتار شدند و شمار استان هایی که هواپشان برای همه مردم ناسالم بود، به ۱۱ مورد رسید.

داده های سامانه پایش کیفی هوا در ساعت ۱۷ روز دوشنبه نشان می دهد به جز شش استان که شاخص روزانه کیفیت هوای آنها در وضعیت قابل قبول و پاک قرار داشت، مردم سراسر کشور در هوای ناسالم برای گروه های حساس، ناسالم و بسیار ناسالم نفس کشیدند. خراسان جنوبی، گلستان، اردبیل، چهارمحال و بختیاری، ایلام و کرمانشاه تنها استان هایی بودند که ایستگاه های سنجش کیفیت هوا در آنها کیفیت هوا را زرد (قابل قبول) و سبز (پاک) نشان می داد. در همین حال تهران، البرز اصفهان و خوزستان در اغلب ایستگاه ها در وضعیت قرمز (ناسالم برای همه) بودند و در این میان ساکنان ارومیه در آذربایجان شرقی، وضعیت بنفش یعنی بسیار ناسالم را تجربه کردند. به طور کلی، در روز دوشنبه استان های تهران، کرج، قزوین، آذربایجان شرقی، مرکزی، خوزستان، یزد، خراسان رضوی، اصفهان، فارس، بوشهر در وضعیت قرمز بودند و مابقی استان ها کیفیت هوای نازنجی یعنی ناسالم برای گروه های حساس داشتند.

آلودگی هوا در تهران

روز دوشنبه استان های تهران، البرز، اصفهان و خوزستان در اغلب ایستگاه ها در وضعیت قرمز (ناسالم برای همه) بودند و این میان ساکنان ارومیه وضعیت بنفش یعنی بسیار ناسالم را تجربه کردند

ناسالم برای همه قرار گرفت. با تداوم شرایط اضطرار آلودگی، آموزش غیرحضوری دانشگاه ها و مدارس استان، به استثنای پنج شهرستان ملارد، رباط کریم، دماوند، فیروزکوه و پردیس، برای سه شنبه ۱۱ آذرماه سال جاری تصویب شده و تصمیم بر این است که دستگاه های اجرایی استان تهران متناسب با نیاز خدمت به مردم با نظـر مدیران دورکار باشند.

بنابر تصمیم کارگروه اضطرار آلودگی هوا استقرار پایگاه های سیار اوزنلس در مناطق پرتدد شهرهای تهران الزامی و استفاده از ماسک های مورد تأیید وزارت بهداشت، به خصوص برای گروه های حساس، ضروری اعلام شده است. طرح زوج و فرد هم مثل سابق از ۶:۳۰ صبح تا ساعت ۱۸:۳۰ از منازل اجرام می شود و تردد کامیون ها در سطح شهر به صورت شبانه روزی، به جز مواردی که مواد فاسدشدنی و سوخت حمل می کنند، ممنوع است.

هوا ی تهران از ابتدای سال تا ۴ آذرماه شش روز پاک، ۱۲۳ روز قابل قبول، ۱۰۶ روز ناسالم برای گروه های حساس، ۱۷ روز ناسالم، دوروز بسیار ناسالم و دوروز خطرناک بوده است. ادامه این وضع درحالی است که سازمان حفاظت محیط زیست در گزارش اخیر خود درباره آلودگی هوای ماه جاری تهران از سیر صعودی کربن سیاه، نیترات و دی اکسید گوگرد در ترکیب آلاینده های این شهر خبر داده است.

خوزستان و ۲۱ نقطه قرمز

نقشه سامانه پایش کیفی هوای کشور ۲۱ نقطه قرمز را در استان خوزستان نشان می دهد. از میان این ایستگاه ها، در روز دوشنبه، پادادشهر و پست برق شماره ۳ شاخص روی عدد ۱۷۰ قرار گرفتند. آلودگی در سراسر خوزستان گسترده شده و در روزها و هفته های گذشته ادامه داشته است و رئیس دانشگاه جندی شاپور اهواز درباره تهدید سلامتی خوزستانی ها با ادامه این روند هشدار داده است.

در این شرایط اعمال نکردن دورکاری برای ادارات خوزستان سؤال برانگیز شده است. دیروز «محمدجواد اشرقی»، مدیرکل حفاظت محیط زیست خوزستان و دبیر کارگروه اضطرار آلودگی هوای این استان دراین باره گفت: «طبق دستورالعمل ملی، اگر شاخص بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ میکروگرم بر مترمکعب باشد، باید مراکز آموزشی تعطیل شوند و برای ادارات هم می توانیم شناورسازی و تأخیر در ساعت کار را داشته باشیم. اما اگر شاخص بالای ۲۰۰ باشد، می توان برای دورکاری تصمیم گیری کرد. اگر این شاخص ها و آلودگی هوا با این روند ادامه داشته باشد، باید همیشه خوزستان تعطیل باشد.» این درحالی است که در شرایط مشابه در تهران کارگروه اضطرار تصمیم به دورکاری ادارات گرفته است.

به گفته اشرقی، سوزاندن مزارع کشاورزی، تشدید غلظت آلودگی صنعتی و تردد خودروهای درون شهری و سکون هوا، عوامل اصلی تشدید آلودگی هوا در این روزها هستند. او البته اضافه کرده که «فقط مقدار کمی مازوت سوزی در کارخانه های سیمان داریم» و در نیروگاه رامین تانکون مازوت سوزی نشده است، هرچند با توجه به مطرح شدن مازوت سوزی در این نیروگاه در فضای مجازی، «بررسی ها در این زمینه انجام می شود».

اصفهان و یک ایستگاه بنفش

استان اصفهان که آخر هفته پیش وضعیت بنفش را تجربه کرد، دیروز شش شهر با وضعیت قرمز داشت و یکی از ایستگاه های آن همچنان بنفش بود. طبق داده های ۱۶ ایستگاه سنجش فعال اصفهان، هوای این کلانشهر در ساعت ۱۶ عصر دوشنبه، دهم آذرماه، میانگین ۱۷۷ یعنی وضعیت قرمز و ناسالم برای همه را نشان می دهد. با تداوم آلودگی، وضعیت هوا در نجف آباد، خمینی شهر، شاهین شهر، کاشان و قهقورستان در شرایط قرمز و این میان در ایستگاه دانشگاه صنعتی در شرایط بسیار ناسالم (بنفش) قرار گرفت.

بهر در گزارشی نوشته است: «در ایستگاه خیابان فرشادی شاخص آلاینده گاز دی اکسید نیتروژن (NO۲) همچنان بالاست، اما آلانیزور این آلاینده در سایر ایستگاه ها قطع است. گاز NO۲ به طور عمده از احتراق سوخت های فسیلی در صنایع، وسایل نقلیه و نیروگاه ها تولید می شود. این گاز یکی از مهم ترین آلاینده های هوا است که در اثر واکنش های حرارتی و شیمیایی در دماهای بالا تشکیل می شود.

نیتروژن دی اکسید یک گاز سمی است که حتی در غلظت های پایین نیز می تواند اثرات منفی بر سلامت انسان داشته باشد. این گاز به راحتی وارد دستگاه تنفسی و باعث تحریک مجاری هوایی می شود. همچنین، شاخص ذرات معلق PM۲.۵ در تمامی ۱۶ ایستگاه پایش هوای فعال در شهر اصفهان بالا و آلاینده غالب است.»

در این شرایط مدیریت بحران استانداری اصفهان اعلام کرده است به دلیل ورود موج ناپایدار آلودگی در مدارس و دانشگاه های سراسر استان تا پایان هفته حضوری خواهد بود، اما طبق پیش بینی هواشناسی، با گذر امواج متناوب ناپایدار از فراز استان، شدت آلودگی در روزهای سه شنبه و چهارشنبه کاهش خواهد یافت.

حکایت همچنان باقی است

مسئولان آلودگی هوا را به گردن یکدیگر می اندازند. «مرتضی محمودی»، نماینده مردم تهران در مجلس، در گفت وگو با پایگاه خبری شهر (زیر نظر سازمان شهرداری تهران، شهرداری را در اجرای قانون هوای پاک پیشتاز و ترک فعل سازمان حفاظت محیط زیست را «عامل اصلی» بحران دانسته و گفته است ریشه اصلی بحران آلودگی هوا در کلانشهرها، به ویژه تهران، ترک فعل دستگاه های دولتی و در رأس آنها، سازمان حفاظت محیط زیست است.

این دعوها در شرایطی است که عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی شهیدیهشتی از رشد سه برابری تعداد روزهای ناسالم برای همه گروه ها در سال جاری خبر داده و گفته است حدود ۵۴ هزار مرگ متناسب به آلودگی هوا ثبت شده است. آلودگی هوا جزو پنج علت اصلی مرگ در کشور است و در حالی که ۱۸ ماده قانون هوای پاک، تکالیف دستگاه ها را برای مقابله با این وضع معلوم کرده، عملاً هیچ اقدامی به بهبود وضعیت کمک نکرده و در عوض زواریاست که مردمان ساکن شهرهای مختلف، از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب، زیر پیر آلودگی هوا نفس هایشان به شماره می افتد.

نوبت اول



آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر آرا صادره هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهرستان زردت تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضیان ذیل محرز گردیده است لذا مشخصات ایشان و املاک مورد تقاضا بشرح زیر به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

۱- غلامرضا منصوری بیدخوانی فرزند عزیزالله ششدانگ خانه به مساحت ۵۰۷ متر مربع از پلاک ۵۵۶ اصلی در مزرعه باب بیدخوان زردن بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی رضا منصوری بیدخوانی و معصومه منصوری بیدخوانی

۲- سیدمحمدحسین مهدویان فرزند سیدمحمد ششدانگ زمین زراعی به مساحت ۱۵۹۶/۷۴ متر مربع از پلاک ۱۰۴۴ اصلی در تقضل آباد خانوک زردن بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی سیدابوالقاسم مهدویان

۳- سیدمحمدحسین مهدویان فرزند سیدمحمد ششدانگ زمین زراعی به مساحت ۱۳۸۵/۵ متر مربع از پلاک ۱۰۴۴ اصلی در تقضل آباد خانوک زردن بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی سیدابوالقاسم مهدویان

۴- صغری براتی فرزند علی اکبر ششدانگ باغ به مساحت ۲۴۸۹/۰۸ متر مربع از پلاک ۱۰۴۴ اصلی در تقضل آباد خانوک زردن بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی درویش رحمانی

۶- علی کافی فرزند حمید ششدانگ باغ به مساحت ۸۲۰/۵۰ متر مربع از پلاک ۱۷۷۸ اصلی در ابراهیم آباد زردن بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی درویش رحمانی

۷- علی کافی فرزند حمید ششدانگ باغ به مساحت ۹۹۵/۶۰ متر مربع از پلاک ۱۷۷۸ اصلی در ابراهیم آباد زردن بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی درویش رحمانی

۹- علی قوامی مقدم فرزند محمد ششدانگ باغ به مساحت ۱۶۲۰ متر مربع از پلاک ۱۷۹۱ اصلی در عبدل آباد زردن بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی سیدعلی آیت اللهی موسوی

۱۰- حسین ایزدی خالقی آبادی فرزند

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمان

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک زردن

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

محمد ششدانگ کارگاه به مساحت ۲۲۴۹/۷۰ متر مربع از پلاک ۲۲۸۶ اصلی در ده شیخ زردن بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی نعمت الله ابولی ده شیخی

۱۰- فاطمه ابراهیمی زرنندی فرزند علی ششدانگ باغ به مساحت ۶۰۲۷ متر مربع از پلاک ۲۲۸۶ اصلی در ده شیخ زردن بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی محمد نیکنفس

۱۱- حسین اسدی فرزند غلامرضا ششدانگ خانه به مساحت ۴۶۱/۳۰ متر مربع از پلاک ۱۶ فرعی از ۲۳۶۸ اصلی در حسین آباد حومه زردن بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی محمدعلی سرآسیابی زرنندی

۱۲- طاهره زمانی فرزند علی ششدانگ خانه به مساحت ۲۱۰/۴ متر مربع از پلاک ۶۲ فرعی از ۲۳۶۸ اصلی در حسین آباد حومه زردن بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی فتحعلی گورکانی زاده زرنندی

۱۳- محبوبه سلیمانی راد فرزند علی ششدانگ خانه به مساحت ۳۲۳/۳۴ متر مربع از پلاک ۲۳۰ فرعی از ۲۳۶۸ اصلی در حسین آباد حومه زردن بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی اکبر امراللهی

۱۴- سعید متصدی زرنندی فرزند محمد موازی ۱۹۲ سهم مشاع و معصومه متصدی زرنندی فرزند احمد موازی ۹۶ سهم مشاع از کل ۹۶۰ سهم ششدانگ خانه به مساحت ۱۱۰۱/۵۰ متر مربع از پلاک ۱۷۷۸ فرعی از ۲۵۵ فرعی از ۲۳۶۸ اصلی در حسین آباد حومه زردن بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی احمد متصدی زرنندی

۱۵- سیدمحمدحسین محمودزاده زرنندی فرزند سیدایرج ششدانگ خانه به مساحت ۱۷۱/۸۰ متر مربع از پلاک ۲۴۱۷ اصلی در شاهرمزد زردن بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی فاطمه میرزالی

۱۶- علی مختاری آیینگوئی فرزند عبدالله ششدانگ باغ به مساحت ۱۹۰/۶۲ متر مربع از پلاک ۲۵۵۴ اصلی در آب پنگوئیه زردن بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی عبدالله مختاری

۱۷- علی مختاری آیینگوئی فرزند عبدالله ششدانگ خانه به مساحت ۶۶۴/۳۷ متر مربع از پلاک ۲۵۵۴ اصلی در آب پنگوئیه زردن بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی محمد مختاری

۱۸- علی مختاری آیینگوئی فرزند عبدالله ششدانگ باغ به مساحت ۶۱۱/۲۱ متر مربع از پلاک ۲۵۵۴ اصلی در آب پنگوئیه زردن بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی عبدالله مختاری

۱۹- علی مختاری آیینگوئی فرزند عبدالله ششدانگ زمین زراعی به مساحت ۲۷۳۰/۵۵ متر مربع از پلاک ۲۵۵۴ اصلی در آب پنگوئیه زردن بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی محمد مختاری

۲۰- عصمت مختاری آیینگوئی فرزند حسین ششدانگ خانه به مساحت ۳۳۵/۴۳ متر مربع از پلاک ۲۵۵۴ اصلی در آب پنگوئیه زردن بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی محمد مختاری

۲۱- علی بحرینی فرزند اکبر ششدانگ

۲۶- ایرج عرب نصرت آبادی فرزند مختار ششدانگ باغ به مساحت

ایمیل سازمان آگهی‌ها: payamema.adv@gmail.com ایمیل تحریریه: Khabar.payamema@gmail.com

@payamema ۸۴۹۴ ۳۳۳ ۰۹۰۳ @payamema www.payamema.ir

ادبیات

«بریکس» به ایرانی‌ها نرسید

«سلوا بکر»، نویسنده برجسته مصری، برنده نخستین دوره جایزه ادبی «بریکس» شد؛ جایزهای که سه نویسنده ایرانی نیز در فهرست نهایی آن حضور داشتند.

به‌گزارش ایسنا، نخستین دوره این جایزه ادبی در حالی با معرفی برگزیده سال ۲۰۲۴ به پایان رسید که یکی از سه نامزد ایرانی، «رضا امیرخانی»، به‌دلیل سانه سقوط هنگام پرواز با پاراگلایدر در روز نهم آذر، در بخش مراقبت‌های ویژه بستری است. امیرخانی به‌همراه «مجید قیصری» و «منصور علیمیرادی» نمایندگان ایران در رقابت امسال بودند.

مراسم اهدای جایزه در شهر خاباروفسک روسیه برگزار شد و در آن، سلوا بکر، رمان‌نویس تأثیرگذار مصری، به‌عنوان برنده انتخاب و مبلغ یک میلیون روبل به او اهدا شد. بکر، متولد ۱۹۴۹ در قاهره، تاکنون هفت رمان، هفت مجموعه داستان کوتاه و یک نمایشنامه منتشر کرده و به‌عنوان منتقد فیلم و تئاتر در نشریات مطرح عربی فعالیت داشته است. او همچنین سابقه تدریس در دانشگاه آمریکایی قاهره را دارد. بخش عمده آثار بکر، از جمله رمان شناخته‌شده «ارابه زین»، به روایت زندگی اقشار فرودست و زنان حاشیه‌نشین مصر می‌پردازد. جایزه ادبی «بریکس» نویسندگانی از کشورهای عضو این ائتلاف از جمله برزیل، روسیه، هند، چین، ایران و آفریقای جنوبی و همچنین امارات متحده عربی را گرد هم آورده است. هیئت‌امنای جایزه پیش‌تر فهرست بلند ۲۷ نویسنده را منتشر کرده بود و سه نویسنده ایرانی نیز در میان نامزدهای نهایی قرار داشتند.

برگزاکندگان اعلام کرده‌اند هدف از ایجاد این جایزه، تقویت تبادلات فرهنگی میان کشورهای عضو بریکس و برجسته‌سازی نقش ادبیات در ترویج ارزش‌های مشترک انسانی همچون همبستگی و صلح است. این جایزه در نوامبر ۲۰۲۴ هم‌زمان با برگزاری مجمع «ارزش‌های سنتی» در مسکو بنیانگذاری شد. ایسنا

مد پایدار

ایران و فرصت ازدست‌رفته مد پایدار در کاپ‌۳

موضوع بیش از همیشه برجسته بود، اما ایران، با ظرفیت‌های نساجی‌اش، از آن غافل ماند. بیاپید قدم‌به‌قدم بررسی کنیم و ببینیم چه فرصتی از دست رفت.

از حاشیه به مرکز صحنه

در سال‌های اخیر، سازمان ملل از طریق چارچوب کنوانسیون تغییر اقلیم (UNFCCC) صنعت مد را جدی‌تر گرفته است. این توجه، به‌شکل منشور صنعت مد برای اقدام اقلیمی (Fashion Industry Charter for Climate Action) درآمده که نخستین‌بار در اجلاس کاپ ۲۴ سال ۲۰۱۸ در لهستان راه‌اندازی شد. این منشور برندهای بزرگ جهان را موظف می‌کند انتشار گازهای گلخانه‌ای را

اسارا شرفی‌پورا
اخرین‌نگار

هرساله پشت صحنه‌های رسمی اجلاس جهانی تغییر اقلیم برگزار می‌شود، در نشست‌های تخصصی و کارگروه‌های موضوعی گفت‌وگوهایی جریان دارد که آینده اقتصاد و اقلیم جهانی را شکل می‌دهد. یکی از این جریان‌های مهم، همان مد پایدار است که ما سال‌ها نادیده‌اش گرفتیم؛ صنعتی که می‌تواند بخشی از راه‌حل بحران اقلیمی باشد. امسال در کاپ‌۳ که در برزیل برگزار شد، این



حاشیه

هشدار به نگارخانه‌ها

اداره‌کل هنرهای تجسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با انتشار اطلاعیه‌ای، بر ضرورت پایبندی نگارخانه‌ها به کاربری تخصصی و رعایت کامل آیین‌نامه «صدور اجازه تأسیس، انحلال و نظارت بر فعالیت نگارخانه‌ها» تأکید کرد.

در این اطلاعیه آمده است این آیین‌نامه به‌منظور حفظ هویت حرفه‌ای نگارخانه‌ها و صیانت از نقش آنها در ترویج هنرهای تجسمی تدوین شده و چارچوب مشخصی برای فعالیت آنها تعیین می‌کند. براساس ضوابط موجود، نگارخانه‌ها تنها پس از طی مراحل قانونی، شامل بازدید کارشناسی، احراز شرایط فنی و فرهنگی و دریافت تأییدیه‌هایی از جمله پلیس نظارت بر اماکن عمومی، مجوز فعالیت تخصصی دریافت می‌کنند.

در این اطلاعیه تأکید شده است فعالیت اصلی نگارخانه‌ها باید بر نمایش و عرضه آثار تجسمی و برنامه‌های مرتبط با مأموریت هنری آنها متمرکز باشد. برگزاری نشست‌های غیرمرتبط، اجراهای موسیقایی یا نمایشی و همچنین، هرگونه مراسم و پذیرایی خارج از شان فضای فرهنگی نگارخانه، تخلف محسوب می‌شود و می‌تواند با برخورد قانونی مواجه شود.

اداره‌کل هنرهای تجسمی اعلام کرده است درصورت مشاهده تخلف، بسته به نوع و میزان آن، تذکر، تعلیق فعالیت یا لغو مجوز در دستورکار قرار خواهد گرفت. این نهاد همچنین از مدیران فرهنگی استان‌ها خواسته است با دقت بیشتری روند نظارت را دنبال و گزارش اقدامات خود را ارسال کنند.



زمین‌های دشت «میان‌جلگه» در حوالی نیشابور، این روزها زیر سه موج هم‌زمان آلودگی خم شده‌اند: از زیاله‌گاهی که سال‌هاست برخلاف وعده‌ها موقت نمانده و خاک و آب‌وهوای منطقه را می‌بلعد تا شهرک صنعتی عطار که با تخلیه خاک‌های باطله کارخانه کنسانتره آهن و ضایعات و پسماند کارخانه کاغذ، لایه‌های سطحی زمین را آلوده کرده است. رهاسازی این پسماندهای حجیم در زمین‌های اطراف، چهره دشت را مخدوش و کیفیت خاک را تهدید کرده است. در کنار اینها، برخی زمین‌های کشاورزی نیز با فاضلاب شهری آبیاری می‌شوند؛ مسیری پنهان اما مداوم که آلودگی را از سطح خاک به محصول و سفره غذایی مردم منتقل می‌کند. این سه منبع آلودگی، همچون حلقه‌هایی درهم‌تنیده، اکوسیستم میان‌جلگه را در معرض فرسودگی قرار داده‌اند؛ جایی که اگر روند فعلی ادامه یابد، این دشت حاصلخیز به پهنه‌ای بیمار و بی‌دفاع بدل می‌شود.

عکس نوشت



عکاس: مرتضی امین‌الرعایایی – ایسنا

محیط‌زیست با می‌کند. امسال تأکید شد پروژه‌های کوچک و متوسط صنعتی، مثل کارخانه‌های نساجی، می‌توانند برای کاهش کربن حمایت بگیرند. ایران، با سابقه طولانی در تولید پشم و پنبه، می‌توانست حداقل یک طرح کارشناسی آماده کند و از این منابع بهره ببرد؛ تصور کنید کارخانه‌های قدیمی‌مان با فناوری‌های سبز نوسازی شوند.

دوم، تمرکز روی مواد اولیه پایدار بود. جهان دوباره به الیاف طبیعی روی آورده؛ از کشمیر و مرینو تا پنبه ارگانیک. مقالات اخیر مجله «ووگ» درباره پایداری کشمیر، که در یادداشت قبلی به آن پرداختیم، نمونه‌ای از این موج است؛ باگشت به الیاف اصل، قابل ردیابی و مرتبط با هویت محلی. ایران با سابقه نساجی سراسر کشور می‌توانست این روند را به فرصت تبدیل کند؛ مثلاً با معرفی پشم عشایری‌مان به بازار جهانی، هم اشتغال ایجاد کند و هم صادرات را افزایش دهد.

سوم، موضوع عدالت اقلیمی و توانمندسازی جوامع محلی بود. اینجا دقیقاً جایی است که ایران می‌توانست روایت قدرتمندی بسازد. کشورهایی مثل پرو، پاکستان و مغولستان از همین مسیر وارد شدند.

اما چرا ایران غایب است؟ زیرا گفت‌وگوی اقلیمی ما در سال‌های اخیر گرفتار سیاست‌های داخلی و نگاه‌های کوتاه‌مدت شده. حضور در اجلاس‌های جهانی زمانی ارزش دارد که ارزش‌افزوده و آورده مسیریایی است که هزینه ورودی‌اش کم و بازده اقتصادی‌اش بالاست.

این غیبت، پیامدهای جدی دارد. اگر در جریان‌های جهانی اقتصاد مد نباشیم، مجبور به پیروی از مقرراتی می‌شویم که دیگران نوشته‌اند. صنعت نساجی ایران همین حالا زیر فشار استانداردهای سوم، موضوع عدالت اقلیمی و توانمندسازی جوامع محلی بود. اینجا دقیقاً جایی است که ایران می‌توانست روایت قدرتمندی بسازد. کشورهایی مثل پرو، پاکستان و مغولستان از همین مسیر وارد شدند.

اما چرا ایران غایب است؟ زیرا گفت‌وگوی اقلیمی ما در سال‌های اخیر گرفتار سیاست‌های داخلی و نگاه‌های کوتاه‌مدت شده. حضور در اجلاس‌های جهانی زمانی ارزش دارد که ارزش‌افزوده و آورده مسیریایی است که هزینه ورودی‌اش کم و بازده اقتصادی‌اش بالاست.

این غیبت، پیامدهای جدی دارد. اگر در جریان‌های جهانی اقتصاد مد نباشیم، مجبور به پیروی از مقرراتی می‌شویم که دیگران نوشته‌اند. صنعت نساجی ایران همین حالا زیر فشار استانداردهای سوم، موضوع عدالت اقلیمی و توانمندسازی جوامع محلی بود. اینجا دقیقاً جایی است که ایران می‌توانست روایت قدرتمندی بسازد. کشورهایی مثل پرو، پاکستان و مغولستان از همین مسیر وارد شدند.

اما چرا ایران غایب است؟ زیرا گفت‌وگوی اقلیمی ما در سال‌های اخیر گرفتار سیاست‌های داخلی و نگاه‌های کوتاه‌مدت شده. حضور در اجلاس‌های جهانی زمانی ارزش دارد که ارزش‌افزوده و آورده مسیریایی است که هزینه ورودی‌اش کم و بازده اقتصادی‌اش بالاست.

این غیبت، پیامدهای جدی دارد. اگر در جریان‌های جهانی اقتصاد مد نباشیم، مجبور به پیروی از مقرراتی می‌شویم که دیگران نوشته‌اند. صنعت نساجی ایران همین حالا زیر فشار استانداردهای سوم، موضوع عدالت اقلیمی و توانمندسازی جوامع محلی بود. اینجا دقیقاً جایی است که ایران می‌توانست روایت قدرتمندی بسازد. کشورهایی مثل پرو، پاکستان و مغولستان از همین مسیر وارد شدند.

این غیبت، پیامدهای جدی دارد. اگر در جریان‌های جهانی اقتصاد مد نباشیم، مجبور به پیروی از مقرراتی می‌شویم که دیگران نوشته‌اند. صنعت نساجی ایران همین حالا زیر فشار استانداردهای سوم، موضوع عدالت اقلیمی و توانمندسازی جوامع محلی بود. اینجا دقیقاً جایی است که ایران می‌توانست روایت قدرتمندی بسازد. کشورهایی مثل پرو، پاکستان و مغولستان از همین مسیر وارد شدند.

این غیبت، پیامدهای جدی دارد. اگر در جریان‌های جهانی اقتصاد مد نباشیم، مجبور به پیروی از مقرراتی می‌شویم که دیگران نوشته‌اند. صنعت نساجی ایران همین حالا زیر فشار استانداردهای سوم، موضوع عدالت اقلیمی و توانمندسازی جوامع محلی بود. اینجا دقیقاً جایی است که ایران می‌توانست روایت قدرتمندی بسازد. کشورهایی مثل پرو، پاکستان و مغولستان از همین مسیر وارد شدند.

این غیبت، پیامدهای جدی دارد. اگر در جریان‌های جهانی اقتصاد مد نباشیم، مجبور به پیروی از مقرراتی می‌شویم که دیگران نوشته‌اند. صنعت نساجی ایران همین حالا زیر فشار استانداردهای سوم، موضوع عدالت اقلیمی و توانمندسازی جوامع محلی بود. اینجا دقیقاً جایی است که ایران می‌توانست روایت قدرتمندی بسازد. کشورهایی مثل پرو، پاکستان و مغولستان از همین مسیر وارد شدند.

این غیبت، پیامدهای جدی دارد. اگر در جریان‌های جهانی اقتصاد مد نباشیم، مجبور به پیروی از مقرراتی می‌شویم که دیگران نوشته‌اند. صنعت نساجی ایران همین حالا زیر فشار استانداردهای سوم، موضوع عدالت اقلیمی و توانمندسازی جوامع محلی بود. اینجا دقیقاً جایی است که ایران می‌توانست روایت قدرتمندی بسازد. کشورهایی مثل پرو، پاکستان و مغولستان از همین مسیر وارد شدند.

این غیبت، پیامدهای جدی دارد. اگر در جریان‌های جهانی اقتصاد مد نباشیم، مجبور به پیروی از مقرراتی می‌شویم که دیگران نوشته‌اند. صنعت نساجی ایران همین حالا زیر فشار استانداردهای سوم، موضوع عدالت اقلیمی و توانمندسازی جوامع محلی بود. اینجا دقیقاً جایی است که ایران می‌توانست روایت قدرتمندی بسازد. کشورهایی مثل پرو، پاکستان و مغولستان از همین مسیر وارد شدند.



دیدگاه

بحران بزرگ تنفس کودکان



ایدرام کمالی‌ا

اکارشناس آموزش و کنشگر حوزه کودک و محیط‌زیست ا

نفس ساده‌ترین حق هر انسانی است، دم باید آغاز زندگی باشد و بازدم ادامه‌اش؛ اما امروز برای بسیاری از کودکان، همین عمل ساده به مبارزای سخت و نفس‌گیر تبدیل شده است. با هر نفسی که می‌کشند به‌جای هوای تازه، ذراتی را فرومی‌برند که بدن کوچک و نحیفشان را می‌آزارد و زخمی بر جان و روانشان می‌زند. هر دم و بازدمشان، نشان از حقی پایمال‌شده دارد؛ آن‌هم بدیهی‌ترین حقشان. آینده‌ای که باید روشن باشد، اینک پشت پرده‌ای از غبار پنهان مانده و کودکانی که باید در سلامتی و با امید قد بکشند، در جدالی سنگین با آلودگی هوا، کودکی خود را با دردی پنهان و بی‌آنکه حتی یک نفس راحت بکشند، پشت سر می‌گذارند. آلودگی هوا دیگر مشکل ماه‌های سرد سال نیست. وقتی نوسازی ناوگان فرسوده حمل‌ونقل سال‌ها عقب افتاده باشد، صنایع بی‌توجه به رعایت استانداردهای لازم و بدون نصب فیلترهای مناسب‌رها شده باشند، ارتقای کیفیت سوخت به تعویق بیفتد و فضا‌های سبز شهری به هر بهانه‌ای قلع و قمع شوند، چگونه می‌توان انتظار داشت کودکان ما هوای سالم تنفس کنند؟ شهرهای ایران در طول سال زیر آبرازی از آلودگی تسخیر شده‌اند و سیاستگذاران و مسئولان در برابر یکی از مرگبارترین بحران‌های کشور چنان آرام و بی‌تفاوت ایستاده‌اند که انگار آمار ۵۹ هزار مرگ سالانه ناشی از آلودگی هوا فقط یک عدد روی کاغذ است. گویی از صد هزار کودک زیر ۱۴ سال که تنها در استان خوزستان و تنها در یک سال دچار مشکلات قلبی و تنفسی شده‌اند، برایشان نه یک فاجعه، که صرفاً یک گزارش اداری است؛ صد هزار کودک، فقط در یک استان! کودکان سریع‌تر از بزرگسالان نفس می‌کشند؛ به‌ازای هر یک‌هزار وزن بدن، هوای بیشتری استنشاق می‌کنند و آینده‌های بیشتری وارد بدنشان می‌شود. کوتاهی قدشان باعث می‌شود هوایی تنفس کنند که به سطح زمین نزدیک‌تر است؛ همان‌جایی که هوا آغشته به دود آگروز گردوغبار سطحی و ریزناستیک‌ها است. تنفس دهانی بیشتر و کارایی کمتر مجاری بینی در فیلتر کردن ذرات، بدن آنان را آسیب‌پذیرتر می‌کند. اندام‌های کودک، به‌ویژه ریه و مغز هنوز در حال رشدند و همین ناتمامی تکامل، راه را برای آسیب‌های عمیق و جبران‌ناپذیر باز می‌کند. سیستم ایمنی ضعیف‌تر کودکان نیز خطر بیماری‌های ناشی از آلودگی هوا را چند برابر می‌سازد. طبق تحقیقات گسترده جهانی، آلودگی هوا در ایجاد یا تشدید سرفه‌های مزمن، بیماری‌های قلبی و تنفسی، آلرژی و آگزما، آسم، برونشیت، ذات‌الریه و آنفولانزا نقش مستقیم دارد. ذرات بسیار ریز ۲.۵PM بی‌وقفه در رشد جسمی کودکان اختلال ایجاد می‌کنند. اما این فقط آغاز ماجراست. پژوهش‌های معتبر سال‌های اخیر نشان می‌دهد قرار گرفتن طولانی‌مدت در معرض این ذرات می‌تواند رشد مغز و عملکردهای شناختی را مختل کند؛ کاهش توجه و تمرکز، تضعیف حافظه کوتاه‌مدت، افت توانایی یادگیری، کندی پردازش اطلاعات و افزایش رفتارهای تکانشی تنها بخشی از این پیامدها است. تأثیرات روانی نیز کمتر از این نیست؛ اضطراب و بی‌قراری، نوسانات خلقی، مشکلات خواب، تحریک‌پذیری، پرخاشگری، خستگی و کاهش انگیزه در کودکانی که هوای آلوده تنفس می‌کنند، بسیار شایع‌تر است. تمام این یافته‌ها یک پیام مشترک و غیرقابل‌انکار دارند؛ کودکی که هوای آلوده تنفس می‌کند، نه‌فقط ریه‌هایش، بلکه ذهن و روان و آینده‌اش نیز قربانی می‌شود. ما شهروندان می‌انیم و پرسش‌های بی‌جوابی که انگار کسی اراده جواب دادن به آنها را ندارد! آیا مسئولان تاکنون هزینه واقعی خسارت‌های آلودگی هوا بر کودکان و آینده‌هایی که نه پنهان محاسبه کرده‌اند؟ قطور با وجود این حجم از رنج و آسیب، هنوز بوجه‌کافی برای اجرای قانون‌های پاک تخصیص داده نمی‌شود؟ تعلل امروز مسئولان، بار مالی را بر دوش کشوری‌گذار که چندین برابر بوجه اجرای قانون‌های پاک است؛ هزینه‌هایی که نه پنهان می‌ماند و نه قابل‌انکار است. مسئولان با چه منطق و معیاری ترک فعل می‌کنند و بی‌توجه به عمق بحران، به تعهدات قانونی خود در اجرای قانون‌های پاک پشت می‌کنند؟ قانون‌های پاک نه توصیه است و نه بی‌پایه؛ تکلیف قانونی است. ترک این تکلیف، ترک فعل است و ترک فعل یعنی سلب حق حیات و سلامت مردم. بی‌عملی در برابر بحران، خود بزرگ‌ترین بحران است. آیا تصمیم‌گیران ما دچار «بی‌عملی در بحران» شده‌اند؟ چاره چیست؟ و اما سؤال اساسی این است که چه کسی پاسخگوی جان‌های از دست‌رفته، کودکان بیمار والدین درمانده و آینده‌ای خواهد بود که در دود و آلودگی گم می‌شود؟ سکوت در برابر این بحران، همراهی با آن است. هر شهروند، رسانه، نهاد مدنی و متخصص باید مطالبه‌گر اجرای کامل قانون‌های پاک باشد؛ آینده کودکان به تصمیم‌های امروز ما گره خورده است. شاید مطالبه‌گر ما بتواند غبار بی‌عملی را از چهره این بحران بتکاند و حق فراموش‌شده کودکانمان را به یاد مسئولان بیاورد؛ حتی به‌سادگی یک نفس.